جنگ ترکیبی؛ بنیانی برای درک کارکردهای نوین اطلاعات (مطالعه موردی جنگ ترکیبی ۱۴۰۱)

مجید مالمیر[۱] مسعود محمدحسینی[۲]

چکیده

تغییر شیوه مبارزه پس از دوره جنگ سرد و بروز انقلاب در شیوه‌های مرسوم جنگ به عنوان «ایده جنگ ترکیبی» مطرح شده است که با ترکیب همه منابع موجود و با درهم آمیختن ابزار و شیوه‌های قدیمی و نوین و همچنین ترکیب کارکرد «نیروهای غیرمتداول» با «نیروهای متداول» همراه است. جنگ در این عرصه نوین، با عبور از محدودیت‌های فیزیکی نبردها به همه حوزه‌ها همچون اقتصاد و انرژی، دین و فرهنگ، اجتماع و محیط زیست و شبکه‌های اطلاعاتی سرایت و تغییر ساختارهای تحلیلی و ذهنی بازیگران اصلی را با اهدافی مانند تغییر نظام سیاسی، کشورها را دنبال می‌نماید. در این میان نقش و کارکرد اطلاعات در جایگاه هوشمندی‌اش برای جلوگیری از غافلگیری، رصد، شناسایی، پیش‌بینی و ارزیابی تهدیدات جنگ ترکیبی از یک سو و مقابله با این تهدیدات از سوی دیگر بی بدیل است. مقاله حاضر تلاش دارد با استفاده از روش تحلیل مضمون، الگویی برای درک کارکردهای اطلاعاتی در قبال تهدیدات جنگ ترکیبی را ارائه نماید. یافته‌های این نوشتار

---

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه جامع امام حسین(ع)؛

۲. مدیر گروه علمی در دانشکده پیامبر اکرم (ص) و دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه جامع امام حسین(ع).

تمرکز بر ابعاد ۸گانه جنگ ترکیبی در دو بخش داخلی و خارجی در مسیر تولید اشراف اطلاعاتی ترکیبی را در پی داشته که خود کارویژه‌های شناختی، اجرائی و نظارتی اطلاعات در روند مقابله‌گری با تهدیدات ترکیبی را مشخص می‌نماید.

واژگان کلیدی: جنگ ترکیبی، سازمان‌های اطلاعاتی، کارکردهای اطلاعات،

مقدمه

صحنه‌های نبرد در هر دوره تاریخی ویژگی‌ها و ماهیت خاص و منحصر به خود را داشته است(ستاری‌خواه و دیگران،۱۳۹۵: ۲۸) و همزمان با دوره‌های مختلف انسانی و همچنین تغییرات فناوری، شناختی و اجتماعی، جنگ‌ها نیز روند تحولات و تغییرات خاص خود را همچون سایر پدیده‌های انسانی سپری کرده اند (راجی و افتخاری بنقل از فرزین و قاسمی،۱۳۹۸: ۸۲). اما در دوران مدرن، صحنه‌های نبرد به سرعت دچار تحولات بنیادی شده است، بگونه ای که ماهیت صحنه‌های جنگ به راحتی قابل تبیین نمی باشد. چنانچه طی دهه گذشته مباحث و مطالب زیادی در مورد «تغییر شیوه مبارزه، پس از دوره جنگ سرد» مطرح شده‌است و حتی برخی از کارشناسان بر این باورند که «انقلابی در شیوه‌های مرسوم جنگ» پدید آمده‌است و جهان در حال ورود به دوران زمانی خاصی است که بنا بر نظر فرانک‌هافمن این ایده «جنگ ترکیبی» است. حضور بازیگران غیردولتی در صحنه‌های جنگ و حمایت و پشتیبانی بازیگران دولتی از آنها، تلاش بازیگران برای ایجاد هویت و همچنین تحولات فناوری، گسترده شدن تجهیزات مدرن و کنترل از راه دور و شکل گیری قدرت‌های هوشمند، گسترده تر شدن جنگ‌های نیابتی، سوق یافتن جنگ‌ها به درون شهرها و طولانی شدن جنگ، بویژه شکل‌گیری گروه‌های افراطی در منطقه (عراق، سوریه یمن و ....) و حمایت دشمنان منطقه ای و فرامنطقه ای از گروه‌های افراطی در کنار دشمنی برخی همسایگان و همچنین ائتلاف‌های آشکار و پنهان علیه ج.ا.ا در سطح منطقه، حاکی از تغییر ماهیت جنگ‌ها و تنوع سناریوهای دشمن در مقابله با کشورهای هدف از جمله کشورهای مستقل و عدالتخواه همچون ج.ا.ا دارد. بدیهی است جلوگیری از دستیابی دشمن به اهداف خود، با اتکا به سناریوهای جنگ‌های کلاسیک و مرسوم و عدم پیش بینی و آینده نگری تحولات این حوزه و عدم انطباق نظام اطلاعاتی با این تحولات، جوابگوی

نیازهای اساسی برای حصول اهداف و آرمان‌های عالی نخواهد بود. در همین راستا یکی از دغدغه‌های مهم ج.ا.ا برای جلوگیری از غافلگیری، رصد، شناسایی، پیش بینی و ارزیابی تهدیدات جنگ ترکیبی است که می تواند از سوی قدرت‌های استکباری و دشمنان منطقه ای و گروه‌های افراطی متوجه میهن ما شود. (ستاری‌خواه و دیگران،۱۳۹۵: ۲۸) صاحبنظران نیز بر این باورند که ماهیت جنگ‌های آینده علیه ج.ا.ا بسمت هیبریدی خواهد رفت. (ستاری‌خواه و دیگران،۱۳۹۵: ۳۴) و حوادث ۱۴۰۱ نیز این مهم را اثبات نموده است. بنابراین با توجه به اینکه دشمنان به دنبال تهدیدات نوین از طریق ترکیب ابزارها و تاکتیک‌ها و تلاقی راهبردها هستند، مسئله اصلی این پژوهش، درک و بازشناسی کارویژه‌های اطلاعات در صحنه جنگ ترکیبی در قالب الگوی نظری "کارکردهای اطلاعاتی در عرصه جنگ نوین" می باشد. در همین راستا به‌نظر می‌رسد عدم وجود این الگو در سیر اقدامات مقابله‌گرانه اطلاعات در برابر تهدیدات جنگ نوین ترکیبی، باعث عدم شناسایی مناسب ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اطلاعات از یک سو و عدم کاربست مناسب این ظرفیت‌ها و توانمندی‌های در فراگرد این مقابله‌گری از سوی دیگر خواهد بود. تولید و ارائه این الگو، ضمن نجات سیاستمداران از مارپیچ درک و شناسایی ابعاد جنگ ترکیبی، می تواند آنها را از رهگذر بکارگیری کارویژه‌های اطلاعات به نسخه ای شفا بخش در حفظ و تداوم بقاء نظام سیاسی منتج نماید. که این خود اهمیت و ضرورت پرداخت به این مقوله را دوچندان گوشزد می‌نماید.

با توجه به این مقدمه می‌توان اصلی‌ترین هدف از نوشتار حاضر را ارائه الگویی برای درک کارکردهای اطلاعاتی به‌منظور رفع دغدغه‌های مهم یک نظام سیاسی در قبال تهدیدات جنگ ترکیبی دانست. در همین راستا می‌توان سئوال اصلی این پژوهش را به شرح زیر بیان نمود:

ـ الگوی و مدل رابطه ابعاد جنگ ترکیبی (هیبریدی) با کارکردهای سه‌گانه اطلاعات در روند

مقابله‌گری با تهدیدات جنگ ترکیبی کدام است؟

۱. پیشینه مطالعاتی

محمدهادی راجی و اصغر افتخاری در مقاله «جنگ ترکیبی در برابر ج.ا.ا (تحلیل ابعاد و روش‌ها)» (۱۳۹۸) مؤلفه‌های جنگ ترکیبی را به مثابه واحدهای ابزاری و عینی و با فشار متراکم و طولانی مدت به‌همراه استفاده از شبکه‌های اجتماعی معرفی کرده‌اند که در پی تأثیر بر بسترهای ذهنی و شناختی است. (راجی و افتخاری،۱۳۹۸: ۷۷) علی ستاری‌خواه و دیگران در مقاله «ماهیت جنگ ترکیبی آینده احتمالی علیه ج.ا.ا در افق ۱۴۰۴» (۱۳۹۵) به بررسی عرصه‌ها، ویژگی‌ها، نوع و ابزار تهدیدات در قالب جنگ ترکیبی پرداخته اند. آنها بر اساس شاخص‌های سه‌گانه عدم قطعیت شامل بازدارندگی، تعاملات بین المللی و تهدیدات در هشت حوزه تهاجم نظامی، نیابتی دولت محور و غیردولتی، براندازی نرم، تحریم همه جانبه، بی ثبات سازی داخلی، تنش مقطعی و نافرمانی، نفوذ و استحاله، جنگ ترکیبی را دسته بندی کرده و مهمترین ویژگی آن را استفاده از سلاح‌های نوین و فضای مجازی برشمرده اند و نوع و ابزار تهدیدات را از نوع هوشمند (ترکیبی) و عرصه آن را متمرکز بر جنگ اطلاعاتی-امنیتی، فرهنگی و قومی مذهبی برشماری کرده‌اند(ستاری‌خواه و دیگران،۱۳۹۵: ۲۷و۴۲).

مبینی دهکردی و همکاران ایشان ، نیز در مقاله« الگوی راهبردی نظام نوآوری فناورانه دفاعی در جنگ ترکیبی» (۱۳۹۹) به ارائه الگوی راهبردی نظام نوآوری فناورانه دفاعی در جنگ ترکیبی پرداخته اند و نتیجه گیری کرده اند که؛ سیاستگذاری‌های ابلاغی دفاعی، ظرفیت نوآوری، بعد عملیاتی نوآوری، دانش- تاکتیک‌ها و نظریه‌های دفاعی از پیش نیازهای اصلی و خلاقیت، نوآوری، حس سازی، طراحی، فناوری و مرزشکنی دانش، سازمان نوآور نظامی و جنگ ترکیبی از مهمترین ابعاد و متغیرهای اصلی الگوی راهبردی نظام نوآوری فناورانه دفاعی در جنگ ترکیبی هستند(مبینی دهکردی،۱۳۹۹: ۲۳).

ویلیام جی نمث[1] که واژه جنگ ترکیبی (هیبریدی) را نخستین بار مطرح کرده در رساله دکتری خود با عنوان «جنگ آینده و چچن: موردی برای جنگ ترکیبی»(Nemth, ۲۰۰۲)

---

1. Nemeth, William J. (2002,) Future war and Chechnya : a case for hybrid warfare, Monterey, California. Naval Postgraduate School, Available at: https://core.ac.uk/download/pdf/36699567.pdf.

اشاره میکند که در یک جامعه ترکیبی(هیبریدی) ویژگی‌های قدیمی و مدرن با یکدیگر درآمیخته شده اند و در نتیجه جنگی که توسط این جامعه پی گرفته می‌شود ترکیبی از روشها و ابزارهای نوین و قدیمی است. نمت برای پیگیری این ایده، جنگ مردم چچن با قوای مسلح روسیه در سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۴ و۲۰۰۰-۱۹۹۹ را مطالعه کرده که بر دو پایه استوار شده است: محور اول، استفاده همزمان از تاکتیکها و ابزارهای مدرن و قدیمی است. محور دوم، این نوع از جنگ، توسط گروههای فرودولتی برای مبارزه با نیروهای دولت مرکزی به کار گرفته میشود(کرمی و دیگران،۱۳۹۸: ۱۰۸).

کالن و ریچ بورن در سال ۲۰۱۷م پرداخت مستقیمی به مقوله جنگ ترکیبی داشته اند و در مجموعه مطالعات جنگ ترکیبی با عنوان «درک جنگ ترکیبی[2]» موضوعاتی مانند چیستی، مولفه‌ها و چارچوب جنگ ترکیبی را مورد توجه قرار داده‌اند. نگاه به جنگ ترکیبی به عنوان حلقه واسط نیروهای منظم و نامنظم نیز مورد توجه راج در کتاب «جنگ ترکیبی روسیه در اوکراین» قرار گرفته که در سال ۹۶ نوشته شده است. وی به بررسی توسعه جنگ‌های نامتقارن به حلقه اتصال بین نیروهای منظم و نامنظم، جنگ‌های ترکیبی و تصرف کریمه پرداخته است. (راجی و افتخاری،۱۳۹۸: ۷۷) کتاب «جنگ ترکیبی» توسط مک کالو و جانسون سال ۱۳۹۵ نوشته شده و به فقدان تعریفی پذیرفته شده جنگ ترکیبی اشاره شده و سعی کرده با نظریه جنگ هیبریدی راه‌های جدیدی برای تشریح رفتار هیبریدی ارائه دهد. در این اثر جنگ رژیم صهیونیستی با حزب ا... لبنان و جبهه شرقی در جنگ جهانی دوم با استفاده از ویژگی‌های جنگ هیبریدی مطالعه شده است.

در نبردها و کشاکش‌های سیاسی ـ امنیتی، توجه به رسانه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزار جنگ‌های ترکیبی و ... از موضوعات مورد توجه در این منابع است که در سیر مطالعاتی نگارنده بدان توجه شده لکن بدلیل محدودیت‌های نگارشی از پرداخت به آن پرهیز شده است.

---

2. Understanding Hybrid Warfare.

۲. مفاهیم

جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی(هیبری) نوعی از جنگ گفته می شود که ابزارهای بکار گرفته شده در آن ترکیبی از ابزارهای متعارف، نامتعارف، نامنظم و نامتقارن است.(راجی و افتخاری به نقل از کلانتری وهابر،۱۳۹۸: ۸۰) به عبارت دیگر ترکیبی بودن ابزارها و روش‌های این جنگ و ترکیب عناصر مختلف در شیوه جنگیدن بعنوان اصلی‌ترین ویژگی‌های شناخت و تعریف جنگ ترکیبی است.هافمن در تعریف جنگ ترکیبی اشاره می کند جنگی است که در آن هر یک از دشمنان سعی دارد با استفاده از یک روند مشخص در یک فضای جنگی به کاربست همزمان و هماهنگ یک ترکیب شکل یافته از سلاح‌های متعارف، تاکتیک‌های نامنظم، تروریسم و رفتار جنایی برای بدست آوردن اهداف سیاسی خود اقدام کند(راجی و افتخاری بنقل از(Hoffman[۲] ۲۰۰۹)،۱۳۹۸: ۸۰). در حقیقت جنگ ترکیبی بیش از آنکه ساخت جداگانه ای باشد، روش جدید جنگی است که نیروهای منظم و نامنظم انبوه و سازمان یافته بطور همزمان تحت فرماندهی مشترک و یکسانی می جنگند(راجی و افتخاری به نقل از کلانتری وهابر،۱۳۹۸[۳]: ۸۰). نوع پیشرفته جنگ ترکیبی مبتنی بر «اهداف شناختی» و در نهایت به دنبال تغییر ساختارهای تحلیلی و ذهنی بازیگر هدف است. به لحاظ محیط شناسی هم بررسی‌ها نشان می دهد صحنه جنگ ترکیبی؛ محیطی است که در بر گیرنده همه ابعاد قدرت ملی جهت دستیابی به اهداف راهبردی یا غایی جنگ است و شامل تمام یا قسمتی از کشور و یا حتی فراتر از قلمرو جغرافیایی کشور می شود. تغییرات عمده در «نگرش‌ها» و «فناوری‌ها»، «عدم تمرکزگرایی»، «ابتکار»، ورود بازیگران غیردولتی، فضای غیرخطی، آشکار نبودن مرز میان جنگ و صلح، اقدامات متنوع بصورت همزمان همگی از

---

۱. □□□□□.

۲. □□□□□□□, □. □. (۲۰۰۹). □□□□□□ □□□□□□□ □□□ □□□□□□□□□□. □□□□□□□□ □□□□□□□ □□□□ WASHINGTON DC INST FOR NATIONAL STRATEGIC STUDIES.

۳. □□□□□.

ابعاد مفهومی جنگ ترکیبی بشمار می‌روند که با رویکرد نرم افزاری سعی دارد ابعاد شبکه دشمن را تحت تأثیر قرار دهد(راجی و افتخاری بنقل از تیموتی جی و علمایی،۱۳۹۸: ۸۳).

در دستورالعمل میدانی ارتش آمریکا۰-۵؛ دکترین حاصل شده از تعریف استراتژیک سازمان‌های هیبریدی، فرآیندهای عملیاتی، تهدید هیبریدی را بصورت دینامیکی قابلیت‌های متداول، غیرمتداول، تروریستی و مجرمانه بمنظور مقابله با امتیازات سنتی تعریف کرده است(ستاری‌خواه و دیگران بنقل از نوذری، ۱۳۹۵: ۳۰). در نتیجه ترکیب کارکرد «نیروهای غیرمتداول» با «نیروهای متداول» سازه اصلی جنگ ترکیبی را تشکیل می دهد. پس نیروی هیبریدی را می‌توان به صورت خلاصه یک سازمان نظامی که از ترکیب سازمان‌ها، تجهیزات و روش‌های متداول و غیرمتداول در یک محیط منحصر به فرد استفاده می‌کند تا از اثرات استراتژیک و هم افزای آن‌ها بهره‌مند شود، تعریف کرد(پایگاه اطلاع‌رسانی فناوری گرداب،Gerdab IR (۲۱ خرداد ۱۴۰۲)پرونده/ آشنایی با جنگ ترکیبی).

در تعریفی دیگر جنگ ترکیبی (Hybrid warfare) به یک راهبرد نظامی گفته می‌شود که آمیخته‌ای از جنگ سیاسی، جنگ کلاسیک، جنگ نامنظم، جنگ مجازی، خبررسانی جعلی، دیپلماسی، جنگ دادگاهی، مداخله در انتخابات کشورهای خارجی، برهم زدن بافت جمعیتی، مهاجرپذیری، یورش فرهنگی، ایجاد تضاد دینی و اینگونه موارد ساخته شده باشد. سازنده این راهبرد تلاش می‌کند با آمیختن روشهای گوناگون، بیشترین آسیب را به کشور میزبان وارد نماید. برای نخستین بار فرانک‌هافمن این روش از جنگ را پیشنهاد کرد. جنگ ترکیبی یا هیبریدی که گاهی از آن با عنوان عملیات‌های پیچیده، جنگ‌های کوچک یا نامنظم نیز یاد می‌شود، بیانگر بکارگیری ترکیبی قابلیت‌های نیروهای نظامی متعارف به شیوه‌ای بدیع، پیچیده و هماهنگ شده است و شامل عواملی است که از تاکتیک‌ها و آرایش‌های نظامی گرفته تا حمله‌های نظامی و غیرنظامی را دربر می‌گیرد[۱]

سازمان‌های اطلاعاتی ـ امنیتی

---

۱. https://fa.wikipedia.org/wiki

اگر سازمان را به مفهوم پدیده‌ای اجتماعی تصور نمود که به‌طور آگاهانه هماهنگ شده و دارای حدود و ثغور نسبتاً مشخصی است و برای تحقق هدف یا اهدافی براساس یک سلسله مبانی دائمی فعالیت می‌کند (رابینز، ۱۳۷۸: ۲۱). همچنین برای «امنیت» سه مفهوم لغوی مطرح‌شده از جانب بوزان یعنی: حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) را در نظر گرفت (بوزان، ۱۳۹۰: ۵۲).

می‌توان سازمان امنیتی را سازمانی تعریف کرد که هویت و کارکرد امنیتی داشته و این هویت و کارکرد موجب بروز رفتارهای اطلاعاتی و امنیتی زیر در آن می‌شود:

۱. جمع‌آوری اطلاعات: از مهم‌ترین کارویژه‌های آن بوده و میزان قدرت و نفوذ سازمانی با آن ملموس‌تر می‌شود.

۲. تحلیل اطلاعات: با هدف کسب درک بهتر از تحولات حال و پیش‌بینی آینده و جلوگیری از شکست مرتبط است.

۳. حفظ محوری: استفاده از برخی اقدامات همچون حفاظت از اماکن و تأسیسات، حفاظت از تجهیزات و سلاح و مهمات، حفاظت کارکنان، حفاظت ارتباطات و حفاظت از اسناد و مدارک به‌منظور حفظ سیستم خودی از آفات امنیتی است.

۴. مقابله با بحران: از کارکردهای دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، استفاده از آن‌ها در مقابله با بحران است.

۵. عملیات پنهان: که به‌عنوان مکمل اقدامات سیاسی و نظامی به کار می‌رود(نادی و دیگران، ۱۳۹۳).

در تعریف سیستم‌های اطلاعاتی[1] به مجموعه‌ای از سخت‌افزارها و نرم‌افزارها و فناوری وابسته و منابع مختلف گفته می‌شود که با یکدیگر متشکل، سازمان‌دهی و یکپارچه شده و زمینه جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، پردازش، تولید و تبادل اطلاعات را به‌صورت خودکار فراهم می‌نمایند. اطلاعاتی که توسط یک سیستم اطلاعاتی تأمین می‌شود می‌تواند

---

1. Information Systems (IS)

مستقیماً در تحقق و اجرای اهداف و انتظارات مختلف مدیران سازمان‌ها مورد استفاده قرار گیرد. در واقع سیستم اطلاعاتی به سیستمی گفته می‌شود که محصول نهایی آن اطلاعات است(محمودی، ۱۳۸۲: ۶۶).

کارکردهای اطلاعات (سازمان‌های اطلاعاتی)

حوزه اطلاعات ماهیتاً (به دلیل وجود عنصر تهدید) و به‌صورت سیستمی (به دلیل ضرورت تصمیم‌گیری) با حوزه تهدیدات و بحران‌ها و مدیریت بر آن دارای روابط کارکردی است که در چهار دسته زیر شناسایی می‌شوند:

۱. کارکرد شناختی

یکی از کارکردهای مهم و مقدم اطلاعات در مدیریت بحران، کارکرد شناختی است. بدین معنی که تولیدات حوزه اطلاعات در تعریف و شناساندن بحران به رهبران جامعه نقش‌های عمده برای تصمیم‌گیری به موقع می‌دهد. اینکه چه شرایطی را بحران بدانیم به برداشت ما از «ارزش‌های حیاتی»، «تهدید» و «ضرورت تصمیم‌گیری سریع» بستگی دارد. حوزه اطلاعات در تبیین و رتبه‌بندی ارزش‌های حیاتی نقش مهمی به عهده دارد تا آنجائی که بدون اینکه در صلاحیت رهبران سیاسی برای تعیین ارزش‌های حیاتی تردید نمود می‌توان بر نقش اطلاعات در تصمیم‌سازی آن تأکید کرد. در این میان «تهدید و یا فرصت خطرناک» نیز مفهومی است که در شناخت بحران نقش کلیدی ایفا می‌کند و معمولاً رهبران سیاسی تعریف و شناسایی آن را از حوزه اطلاعات انتظار دارند؛ بنابراین می‌توان گفت با توجه به نقش قابل توجه حوزه اطلاعات در شناخت رهبران جامعه نسبت به ارزش‌های حیاتی و اولویت آن‌ها، تهدیدات و میزان شدت هر یک و لزوم تصمیم‌گیری سریع یکی از کارکردهای اساسی اطلاعات در مدیریت بحران، کارکرد شناختی است.

۲. کارکرد هشداردهندگی

این کارکرد در دو مقطع پیش از بحران و حین بحران از حوزه اطلاعات مورد نظر است. قبل از بحران این انتظار ناظر بر پیش‌بینی بحران و عموماً در چارچوب گزارش‌های تحلیلی ـ اطلاعاتی است. بدین منظور باید شاخص‌های نزدیک شدن به شرایط بحرانی (نشانگر) به‌خوبی شناسایی و راه‌هایی برای دریافت مستمر و منظم آن اتخاذ گردد. مک کارتی تأکید می‌کند: «نقش اطلاعات پیش از بروز هر بحران هشدار دادن برای جلوگیری از

بروز وضع غیرمترقبه و آگاهی دادن از تحولات ویرانگر آتی است.» اما در بسیاری موارد کارشناسان اطلاعاتی در گزارش‌های تحلیلی قبل از بحران که انتظار پیش‌بینی روشنی در خصوص رویدادهای آتی از آن‌ها وجود دارد؛ دچار آفت کلی‌گویی می‌شوند. محمدرضا تاجیک ماهیت پیچیده، فضای کدر و هزینه خطای بالا را در زمره عوامل مؤثر در کلی‌گویی در عرصه تدبیر بحران‌ها می‌داند. این پدیده موجب خنثی شدن کارکرد اصلی اطلاعات در این بخش و موجب بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی رهبران سیاسی جامعه به دستگاه‌های اطلاعاتی می‌شود.

۳.کارکرد پشتیبانی

همان‌طور که مدیریت بحران شامل مجموعه تدابیر و اقدامات قبل، حین و پس از بحران است؛ پشتیبانی حوزه اطلاعات نیز در هر سه مرحله بحران تداوم می‌یابد. یکی از انواع پشتیبانی‌های مهم حوزه اطلاعات در بحران که در هر یکی از مراحل سه‌گانه بالا به شکلی متبلور می‌شود، ایفای نقش «حافظه» است. با اینکه هر بحران یک نمونه منحصر به فرد است و هیچ بحرانی عیناً تکرار نمی‌شود، ولی این واقعیت هرگز به معنای عدم ارتباط یک بحران با بحران‌های قبل و بعد نیست. مکان‌شناسی بحران‌ها که با مراجعه به سابقه قابل دستیابی است کمک زیادی به درک ماهیت و فرآیند آن‌ها می‌کند. در حین بحران نیز رجوع به این حافظه، تحلیل‌گران را در تفسیر اطلاعات جدید یاری می‌دهد و پس از خاتمه نیز مستندات بحران بدین حافظه سپرده می‌شود. پشتیبانی دیگری که حوزه اطلاعات از تیم مدیریت بحران به عمل می‌آورد «شناساندن مراجع اصلی قدرت» در طرف مقابل است. ناشناخته بود مراجع قدرت می‌تواند موجب سردرگمی تصمیم‌گیران شود و برقراری ارتباط با این مراجع در طرف مقابل لازمه اصلی کنترل بحران است. این خود اهمیت این پشتیبانی را گوشزد می‌کند. «اقدام به مذاکره» نیز نیازمند پشتیبانی اطلاعاتی است. آگاهی از پشت صحنه حریف به تیم مدیریت بحران کمک می‌کند تا با چشمان بازتر به مذاکره پرداخته و از فشار بی‌حاصل و امتیازدهی غیرضروری مصون بماند. از دیگر پشتیبانی حوزه اطلاعات در فرآیند مدیریت بحران می‌توان به پشتیبانی اطلاعات در کاربرد قوه قهریه و شناخت حریف اشاره نمود.

۴.کارکرد بازخورددهندگی

یکی از کارکردهای حوزه اطلاعات در حوزه بحران، بازخورد رویدادها هم‌زمان با ادامه بحران است که تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در ادامه و فرجام بحران دارد. کاملاً قابل تصور است که یک بحران نه‌تنها در نتیجه تصمیمات عمدی اقدامات معین و یا انتخاب آگاهانه، بلکه به سبب وقایعی همچون قطع فرآیند خبرگیری و خبردهی و یا از دست دادن تسلط بر وقایع منجر به اعمال خشونت شود. اهمیت این کارکرد از آنجا آشکار می‌شود که هرگاه اطلاعات از عهده این کارکرد خود بر نیاید، نهادهای دیگری به‌عنوان جایگزین ایفای نقش می‌کنند که حسن نیت و صلاحیت حرفه‌ای آن‌ها برای این کار مورد تردید است. نکته حائز اهمیت در این کارکرد آن است که کارکرد بازخوردهندگی اطلاعات باید به دور از هرگونه پیش‌داوری و مبتنی بر ارزیابی هر رویداد از هر دو جنبه فرصت و یا تهدیدآمیز بودن صورت گیرد. ضمن آنکه حوزه اطلاعات باید به‌شدت از بازخورد به‌دلخواه مدیران و تصمیم‌گیران بر حذرباشد (محمدحسینی ، ۱۴۰۲: ۷۵ ـ ۷۴).

۵.چارچوب کلی و اهداف جنگ ترکیبی

آنچه از مفهوم جنگ ترکیبی، مد نظر پژوهش حاضر است، تفصیل و کاربست این مفهوم از سوی آندرو کریبکو است. کانون اصلی کاربست مفهوم جنگ ترکیبی در پژوهش کریبکو، استفاده دولتها از ابزارها و امکانات این نوع از جنگها برای تغییر نظام سیاسی در کشورهای دشمن است(Korybko, ۲۰۱۵). به بیانی دیگر، جنگ ترکیبی ابزار مهم دولتها، به ویژه قدرتهای بزرگ برای تغییر نظام سیاسی در کشورهای دشمن است. دولتها در استفاده از این ابزار، عامدانه مرزهای میان وضعیت جنگ و صلح را تیره و مبهم میکنند تا از این طریق، دولتِ هدف با ناآگاهی از وضعیت ایجاد شده، از واکنش و ارائه پاسخ مناسب و به موقع، ناتوان شود(کرمی و دیگران،۱۳۹۸: ۱۰۹و۱۱۰). به‌عنوان مثال سیاست های ایالات متحده آمریکا در قبال ایران که با ساختن فضایی مه آلود از صداهای واشنگتن در قبال ایران، امکان راستی آزمایی پیشنهادات و اظهارات مقامات آمریکایی را دشوار می سازد. بدین سبب همزمان با افزایش تنش‌ها و سخن گفتن از احتمال کاربست گزینهٔ نظامی علیه ایران، مذاکره را نیز امکانپذیر قلمداد می‌کنند و هدف نهایی، سر در گم کردن مقامات ایران و خرید زمان برای اثرگذاری فشارهای اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی تا رسیدن

به هدف نهایی یعنی فروپاشی یا تغییر نظام سیاسی است(کرمی و دیگران،۱۳۹۸: ۱۱۱). مهمتر آنکه قدرت‌های بزرگ در میان بهره‌برداری از جنگ‌های ترکیبی برای وصول به اهداف تعیین شده، به تمامی وجوه نظام اقتصادی، سیاسی، نظامی و حتی تبلیغاتی کشور هدف، حمله می‌کنند. این حملات بگونه‌ای تدریجی و فرسایشی انجام می‌شود و بدین سان، ظرفیت‌های کشور هدف برای پاسخ مناسب تا حد زیادی تخلیه میشود. فهم این نکته ضروری می‌نماید که کاربست جنگ ترکیبی بگونه ای انجام می‌شود که کشور هدف تا مدتی طولانی نمی‌تواند تشخیص دهد از سوی دولت دیگر هدف قرار گرفته است. بعبارتی «سلب اختیار و ممانعت از درک شرایط ایجاد شده» از مهمترین دلیل پیچیدگی جنگ‌های ترکیبی است. هدف آرمانی از کاربست جنگ ترکیبی، خلق وضعیتی است که در آن، دشمن در شبکه ای از ابهام، کاهش آستانه خشونت و انکار، مورد حمله قرار گیرد و بدین سان، یک پاسخ منسجم و موثر، اغلب تا آن زمان به تاخیر می افتد که بسیار دیر است و هدف حمله کننده کامل محقق شده است (۳۸: ۲۰۱۵: ,Korybko). بسیاری از وجوهی که در آن جنگ ترکیبی در حال انجام است، قابل شناسایی و یا پاسخ نیست. در مجموع کوریبکو، عمده ترین ویژگیهای جنگ ترکیبی را در موارد زیر تجمیع می‌کند:

تحریم اقتصادی، انزوای سیاسی، حملات سایبری، حملات تبلیغاتی، تدریجی بودن فشارها و تهدیدات علیه کشور هدف، مبهم بودن مرزهای جنگ وصلح (حمله به نیروهای کشور در خارج از مرزها و ایجاد مه جنگ) و در نهایت هماهنگی و انسجام ابزارهای به کار گرفته شده.

۶. عناصر قوام بخش جنگ ترکیبی

ویلیام نمت در سال ۲۰۰۲ (Nemth, ۲۰۰۲) واژه جنگ ترکیبی (هیبریدی) را مطرح کرد و اشاره کرده در یک جامعه ترکیبی ویژگی‌های قدیمی و مدرن با یکدیگر درآمیخته شده اند، در نتیجه جنگی که توسط این جامعه پی گرفته می‌شود ترکیبی از «روش‌ها و ابزارهای نوین و قدیمی» توسط «گروههای فرودولتی» برای مبارزه با نیروهای دولت

مرکزی به کار گرفته میشود. در ادامه، مفهوم جنگ ترکیبی از سوی ایلنور اسلون[1]بکار گرفته شد. (Sloan, ۲۰۱۸) اسلون معتقد است هدف دولتها یا بازیگران غیردولتی در پیگیری این جنگ، مانند تمام جنگها منافع ملی/منافع گروهی است. پیگیری این نوع از جنگها در مقایسه با جنگهای نظامیِ متعارف یا هسته ای، هزینهٔ کمتری دارد و این امکان را فراهم

می‌کند تا دولت‌ها خارج از محدوده قواعد و ضوابط جهانی حرکت کرده و اعمال قدرت کنند. از نظر اسلون، در جنگهای متعارف، هدف از میان بیردن نیروی نظامی دشمن است و جنگ‌های نامتعارف نیز زمانی رخ میدهند که بازیگران غیر دولتی بخواهند نیروهای دولتی و در پاره‌ای از اوقات شهروندان را از میان بردارند. هدف دولتها و بازیگران غیردولتی در این جنگها، متفاوت است. بازیگران غیردولتی با هدف براندازی یا مقابله با دخالت دولت اقدام به این نوع جنگ میکنند؛ حال آنکه هدف دولتها منحرف کردن افکار دولتمردان در کشور رقیب است بنحوی که در زمین رهبران کشور مهاجم بازی کنند(کرمی و دیگران بنقل از(۲۰: Sloan, ۲۰۱۸) ،۱۳۹۸: ۱۰۸).

۷. سیر تطور بکارگیری جنگ ترکیبی

فرانک‌هافمن این روش از جنگ را پیشنهاد کرده است.(Hoffman, Frank :2007) و پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ این شیوه جنگ دیدگاه نظریه‌پردازان نظامی را تغییر داد.(Bruce Hoffman,2006: 15,) اگر بخواهیم از نسل اول جنگ‌های ترکیبی نام ببریم؛ حملات سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ شورشیان ایرلندی به واحدهای نظامی ارتش بریتانیا، توانایی مجاهدان افغانستان در سال ۱۹۸۰ و تجارب شورشیان چچن در مقابله با ارتش روسیه می‌توان به‌عنوان نمونه‌های این سیر تکاملی یاد کرد. در اتفاقات بالکان نیز (بعد از دوره حکمرانی یوگسلاوی) فعالیت‌های غیرمعمول، سنتی، تروریستی و مجرمانه به شکل کاملی رخ داده‌است((Steve Coll, Ghost Wars,2004). کارشناسان پنتاگون در تحقیق «تغییر ابعاد جنگ» حالت‌های طرح‌ریزی شده و تغییرات ابعاد جنگ را بررسی کرده اند.

---

۱. □□□□□□ □□□□□ (۲۰۱۸) □□□□□□□□, □□□□□, □□□ □□□□□□ □□□, □□□□□□□□□
athttps://docresearch.org/2018/11/hegemony-power-hy

بسیاری از کارشناسان، جنگ‌های اخیر را با عنوان جنگ‌های نوین که دارای ویژگی‌های مخصوص به خود نظیر خشونت جنسی، جنبه‌های جنایی و اعمال خشونت‌آمیز است، توصیف می‌کنند.هامس معتقد است نسل چهارم جنگ‌ها در نیمه دوم قرن بیستم ظهور کرده و در آن بازیگران حکومتی و غیرحکومتی از تاکتیک‌های غیرنظامی برای مهار قابلیت‌های فناورانه دشمن استفاده می کنند(مبینی دهکردی و دیگران بنقل از جوالنی و دیگران،۱۳۹۹: ۲۹). ویلیام لیند در کتاب «تغییر چهره جنگ: بسمت جنگ نسل چهارم» در سال ۱۹۸۹ نظریه نسل چهارم را بر تغییرات عمده در «نگرش‌ها» و «فناوری‌ها» معرفی کرد که عدم «تمرکزگرایی» و «ابتکار» را در خود دارد و صحنه به روی بازیگران غیردولتی باز شد و در فضای غیرخطی مرز میان جنگ و صلح در آن آشکار نیست و اقدامات متنوع بصورت همزمان همه ابعاد شبکه دشمن را تحت بررسی و تأثیر خود قرار می دهد، بعبارتی بیشتر جنبه نرم افزاری دارد(راجی و افتخاری بنقل از تیموتی جی و علمایی،۱۳۹۸: ۸۳).

۸. اصول جنگ ترکیبی

بر اساس نظرات صاحبنظران، جنگ هیبریدی بر اساس هفت اصل تشریح می شود:

اصل اول: ترکیب ظرفیت‌ها و اثرات جنگ هیبریدی در بستر زمانی و مقطع خاص. این بسترها شامل مقطع زمانی، جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است که در آن مقطع جنگ رخ می‌دهد.

اصل دوم: یک ایدئولوژی در جنگ هیبریدی وجود دارد که باعث تشکیل یک گفتمان درون سازمانی می‌شود. این ایدئولوژی به‌طور معمول، به زمینه استراتژیک مرتبط است و ریشه در هویت اجتماعی، فرهنگی و دینی نیروی هیبریدی دارد. گفتمان حاصل به نیروی هیبریدی کمک می‌کند تا قوانین موجود در آن زمینه استراتژیک را به‌طور مجدد تعریف کند.

اصل سوم: نیروی هیبریدی، معتقد است رقبای بالقوه در پی از بین بردن آن هستند. این احساس خطر باعث می‌شود نیروی هیبریدی از دانش نظامی متداول دست کشیده، تا بتواند هر چه بیشتر به بقای خود ادامه دهد.

اصل چهارم: همیشه یک اختلاف ظرفیت بین نیروی هیبریدی و دشمنان بالقوه آن وجود دارد. نیروی هیبریدی ظرفیت نظامی متداول کمتری در مقایسه با دشمن خود داشته و در نتیجه باید به دنبال راهی باشد که بتواند امتیازات رقیب را جبران کند.

اصل پنجم: نیروی هیبریدی هم دارای اجزای متداول و هم غیرمتداول است. این اجزا به‌طور معمول شامل فناوری‌های نظامی و فناوری پارتیزانی غیرنظامی است. همچنین ممکن است تاکتیک‌های مجرمانه یا تروریستی در اجزای آن وجود داشته باشد. این ظرفیت‌های ترکیبی یک امتیاز غیرمتقارن را برای نیروی هیبریدی ایجاد می‌کنند.

اصل ششم: سازمان‌های هیبریدی وابسته به عملیات‌هایی هستند که ماهیت دفاعی دارند. نیروی هیبریدی تلاش می‌کند که از موجودیت خود دفاع کند. این عملیات‌ها چندین جزء هجومی نیز دارند اما گرایش اصلی آن دفاعی است.

اصل هفتم: سازمان‌های هیبریدی از تاکتیک‌هایی استفاده می‌کنند که فرسودگی دشمن را به‌دنبال داشته باشد. این تاکتیک‌ها هم بصورت فیزیکی و هم بصورت شناختی خود را نشان می‌دهد تا تمایل رقیب را در استفاده از نیروهایش کاهش دهد.

۹. مولفه‌های جنگ ترکیبی

این نوع از جنگ، ترکیبی از توانمندی‌های نظامی متداول و متعارف، ظرفیت‌های شورش و آشوب، تروریسم و افراط گرایی، جنگ‌های چریکی و نامتقارن یا محدود، دیپلماسی، جنگ‌های سایبر و فناوری‌های پیشرفته نظامی و جنگ‌های روانی و تبلیغاتی است(راجی و افتخاری بنقل ازhuvinen,2011،۱۳۹۸: ۸۷)[۱] از طرفی در کنفرانس امنیتی مونیخ مولفه‌های جنگ ترکیبی صورتبندی شده که عبارتند از: حملات سایبری، روش جنگیدن اقتصادی، دیپلماسی، روش جنگ اطلاعاتی و تبلیغات، حمایت از ناآرامی‌های محلی، نیروی مخصوص(ویژه)، نیروی نظامی نامنظم، نیروی نظامی منظم که با تلفیق مولفه‌ها، الگوی زیر ارائه می‌شود(قاسمی و فرزین،۱۳۹۶: ۶۹).

---

۱. □□□□□□□□, □. (۲۰۱۱). □□□□□□ □□□□□□□—□ust a twist of compound warfare. Views on warfare from the United States Armed Forces perspective. Helsinki: National Defense University.



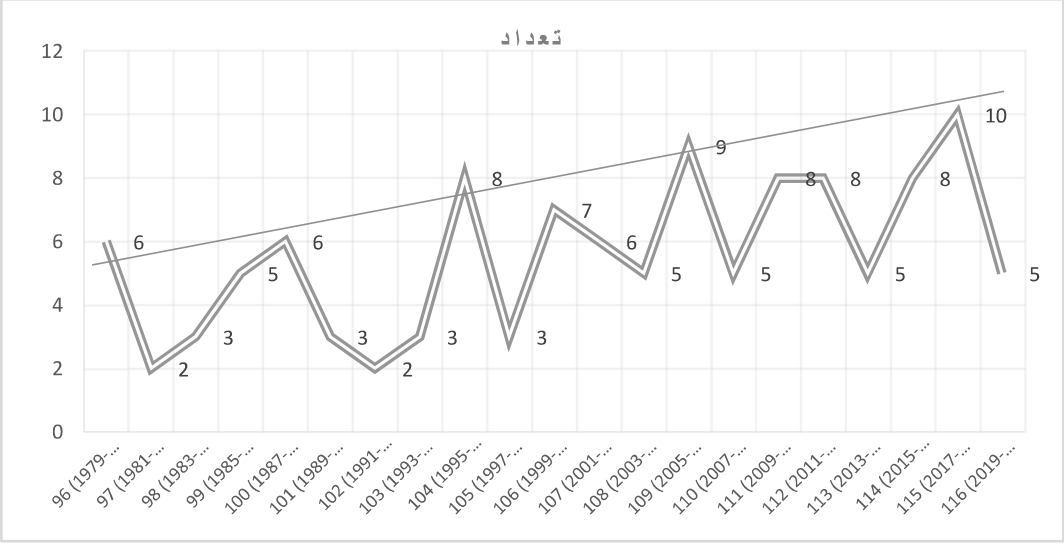
۹-۱. جنگ سایبری

یکی از وجوه جنگ ترکیبی ایالات متحده آمریکا علیه ج.ا.ا، در قالب انجام حملات سایبری بعنوان زیرمجموعه ای از «جنگ اطلاعاتی» و اقدام نامتعارف هشدار دهنده(کرمی و دیگران بنقل از.(Gilbert, ۲۰۱۹)،۱۳۹۸: ۱۲۵تا۱۲۷). برنامه ریزی شده است که نهادهای مالی، زیرساخت‌های خدماتی مانند شهرداری تهران، سامانه‌های سوخت، بیمه‌ها، گمرک، زیرساخت‌های حیاتی همچون بدافزار استاکس نت، سامانه‌های کنترلی در بخش های مختلف ارتباطات، اطلاعات، حمل و نقل و ... را هدف قرار می‌دهد که در نهایت اذهان مردم و روحیه ملی و اعتماد عمومی را مورد تهاجم قرار می‌دهد. صرف نظر از میزان موفقیت یا شکست حملات سایبری آمریکا علیه ج.ا.ایران، آنچه وافی به مقصود پژوهش ما است، این است که حملات سایبری در شاکلهٔ جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران جایگاه ویژه ای دارد و انتظار میرود این حملات همچنان تداوم داشته باشد(کرمی و دیگران،۱۳۹۸: ۱۲۵تا۱۲۷).

۱.□□□□□□□□, □□□□□□ (۲۰۱۹), □.□. □□□□□□□□□□□□ □□ □□□□□ □□□□□ □□□□ □ □□□□□□□ □□ □□□□□□□□□ BUSINESSES, Available at: https://news.vice.com/en_us/article/9kxvqd/us-cyberattack-on-iran-just-put-atarget-on-american-businesses.

۹-۲. جنگ اقتصادی و انواع تحریم‌ها

جنگ اقتصادی هم راستا با دیگر مولفه‌های جنگ ترکیبی و در کنار هم و در یک خط قرار دارند. تحت تأثیر قرار دادن خواسته‌های یک جامعه، وابسته سازی و کنترل پذیر کردن آن، تحریم و جنگ ارزی، کاهش ارزش پول ملی، تعرفه گذاری‌های مختلف، جلوگیری از واردات ابزارهای پیشرفته تولید و غیره، بخشی از مولفه‌های جنگ اقتصادی هستند که هدف همگی مبتنی بر «ناراضی سازی» توده مردم علیه حاکمیت و اعمال فشار تهاجمی در بستر جنگ ترکیبی است.(راجی و افتخاری بنقل از ملکوتی نیا،۱۳۹۸: ۹۲) بطورکلی تحریم های آمریکا علیه ایران در سه سطح انجام شده اند؛ الف) تحریم‌های یکجانبه که از زمان کارتر آغاز شده است. ب)تحریمهای آمریکایی دوگانه فرامرزی شامل شرکتهایی که در ایران سرمایه گذاری کرده اند. ج)تحریم‌های بین‌المللی که بعد از ورود کنگره به موضوع تحریم‌ها، تحریم‌های ایران همه جانبه شد. قوانین و قطعنامه‌های ضدایرانی مصوبه در ادوار مختلف کنگره شامل ۱۱۷ مورد می شود که در نمودار زیر قابل مشاهده است(کرمی و دیگران،۱۳۹۸: ۱۰۶).



تحریم‌ها بگونه‌ای مورد استفاده قرار گرفته که هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا در دوره اول اوباما اعلام کرد که معمار بدترین تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه علیه ایران بوده است.(راجی و افتخاری بنقل از موسویانف۱۳۹۸: ۱۰۰) پس از خروج آمریکا از برجام در ۲۰۱۸ نیز که حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و تبلیغاتی را در بر می

گیرد یکی از وجوه جنگ ترکیبی علیه ایران را ترسیم می‌کند که این روند تحریم‌ها در سال ۱۴۰۱ نیز تداوم داشت و مقام معظم رهبری نیز تحریم‌های اقتصادی غرب را یک جنگ تمام عیار علیه ایران معرفی کردند(پایگاه اطلاع‌رسانی فناوری گرداب،Gerdab IR | (۲۱ خرداد ۱۴۰۲)پرونده/ آشنایی با جنگ ترکیبی).

۹-۳. جنگ دیپلماسی و مذاکره

بنابر تعریف والریا مهک[۱]دیپلماسی به مثابه رفتاری ترکیبی از حالت و کلام در ذهن دیپلمات است که در نهایت صاحب نفوذ را به سوی پیروزی سوق می‌دهد.(راجی و افتخاری بنقل از Pop,۲۰۱۷ ،۱۳۹۸: ۹۲)[۲]دیپلماسی در مفهوم ، شیوه مسالمت‌آمیز حل و فصل منازعات بین المللی است، ولی در شکل گسترده به‌معنای مدیریت سیاست خارجی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری، مالی، فناوری، امنیتی و نظامی بوده (راجی و افتخاری بنقل از قوام،۱۳۹۸: ۹۲) و می‌تواند کاربست مولفه‌های متنوع جنگ و «اجماع ساز» بین بازیگران متفاوت و «مشروع سازی» اقدام علیه بازیگر هدف و ابزاری برای «شرطی کردن» طرف مقابل باشد(راجی و افتخاری،۱۳۹۸: ۹۲).

۹-۴. جنگ روانی و اطلاعاتی

جنگ روانی عبارت است از «فرآیند بهره برداری صحیح و طراحی شده از تبلیغات و اقداماتی با اتکا به ابزارهای نظامی، اقتصادی یا سیاسی که هدف آن نفوذ در عقاید، احساسات، عواطف، تمایلات و رفتار مخاطبان(افراد دشمن، بیطرف، هم پیمان و دوست) و تأثیرگذاری بر آنها بمنظور پیروزی در جنگ و تسلیم کامل نیروهای دشمن و تضعیف روحیه آنان است(راجی و افتخاری بنقل از ذوالفقاری،۱۳۹۸: ۹۰) جنگ اطلاعاتی هم به معنی تجاوز دشمن به حریم اطلاعاتی در نظر گرفته می شود که باعث به خطر انداختن منافع ملی می‌شود و بر این حقیقت تأکید دارد که اطلاعات و فناوری مرتبط، برای امنیت ملی و «دفاع» اهمیت حیاتی دارد و طیفی از ابزار، دانش، تکنیک‌ها و تاکتیک‌های جنگ اطلاعات برخوردار است(راجی و افتخاری بنقل از رشیدزاده،۱۳۹۸: ۹۰). جنگ روانی اهدافی همچون زایل کردن خِرد انسانی و حیات معنوی و اخلاقی یک ملت از طریق نفوذ در اراده آنها را دنبال می کند(راجی و افتخاری بنقل از کریمی،۱۳۹۸: ۹۹). در این راستا یکی از انواع جنگ روانی و اطلاعاتی علیه ج.ا.ا تغییر فرآیند ادراک و محاسبات مسئولان

۱.□□□□□□□ □□□□□.

۲.□□□, □. (۲۰۱۷, □□□□). □□□□□□□□□ □□□ □□□□□□□□. □□ □□□□□□□□□□□□□ □□□□□□□□□□ KNOWLEDGE-BASED ORGANIZATION (Vol. 23, No. 1, pp. 251-2۵۵). □□ □□□□□□□ Open.

است. البته بازیگران غیردولتی مانند سلبریتی‌های کارشناس هم با بهره برداری از جذابیت و مخاطب قابلیت تهاجم سینرژیک خود را بکار می گیرند(راجی و افتخاری بنقل از کریمی،۱۳۹۸: ۹۹). که در ۱۴۰۱ این مهم بصورت گستره محقق شد و بخش عمده ای از انگاره‌های شناختی در جهت جنگ ترکیبی برساخته شد.

۹-۵. شورش و ناآرامی‌های اجتماعی

بر مبنای ادبیات راهبردی، چالش کشورها ازجمله ج.ا.ا در عرصه داخلی، آسیبهای ناشی از ضعف درونی و در عرصه بیرونی، تهدیدات هستند و آسیب‌های درونی از عوامل اصلی تحریک و فعالسازی تهدید بیرونی است؛ از این رو دارای اهمیت بسزایی است. از طرفی استفاده از شورش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی به‌عنوان یک عامل ایجاد بی ثباتی نقش مهمی در جنگ ترکیبی ایفا می کند. نوآوری جنگ ترکیبی این است که نیروهای منظم و نامنظم می توانند همزمان وارد یک درگیری فعال اجتماعی، دستکاری شده یا اجباری علیه یک جمعیت مشخص شوند.(راجی و افتخاری بنقل از[1]GARDNER 2015؛ ۱۳۹۸: ۸۹) بر این اساس در بحران ۱۴۰۱ آسیب پذیری در حوزه‌های مربوط به مسائل زنان، خانواده، عفاف و حجاب، دانشجویان، دانش آموزان، کارگران، اصناف و بازاریان، اقشار آسیب زا مانند اراذل و اوباش و موضوعات قومی، مذهبی شناسایی شد و گسل‌های این حوزه‌ها در یک پروسه زمانی فعال گردید، بصورتی که هم افزا و هم راستا بودند.

۹-۵-۱. زمینه‌ها

در سال ۱۴۰۱ جامعه ایرانی حامل «عوامل و زمینه‌های ناامن ساز» بود و در روندشناسی برهم کنش‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی بویژه معیشتی، سیگنال‌های شکنندگی و به هم خوردن توازن امنیتی، بویژه امنیت روانی جامعه دریافت می شد که گاه در برخی تحلیل‌های اطلاعاتی و یا حتی تحلیل‌های سیاسی و دانشگاهی تبلور می یافت. برخی مطالعات و پیمایش‌ها نیز نشان می دهد نارضایتیها در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، نارضایتی از زندگی و مفاهیم مشابه دیگر در ابعاد و سطوح مختلف در کشور وجود داشته و ظرفیتی برای بروز نارضایتیها و اعتراضات بوجود آورده است(حسینی زاده آرانی و دیگران،۱۴۰۱: ۲۵۲). در نتیجه «ناکارآمدی‌ها»، «نارضایتی‌ها» و «ترکیب گسل‌های ناامن ساز» بستری برای فعال شدن تهدیدات خارجی شده است. از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز منشأ ناآرامیهای اجتماعی، آسیبها و عوامل داخلی است؛ به عبارتی بواسطه وجود چنین ضعفهایی است که تهدید خارجی، فعال میشود. بر اساس تحلیل مضامین گفتارهای ایشان طی چهار دهه اخیر،

---

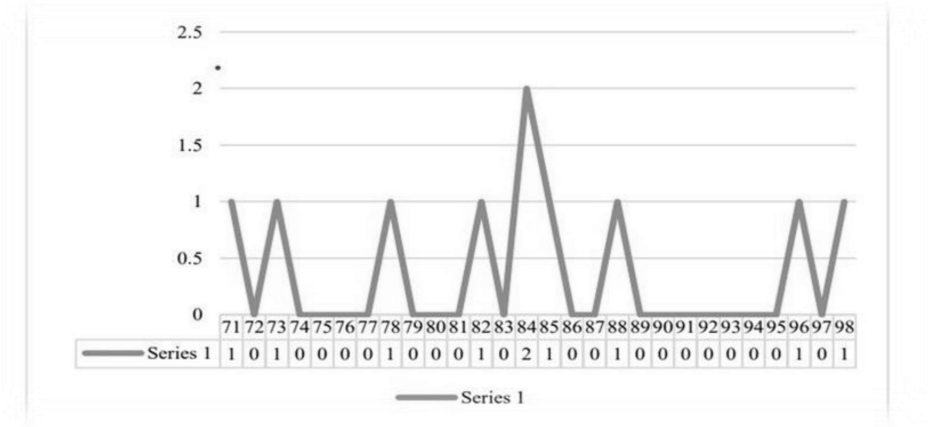
1. Gardner, Hall. (2015) Hybrid Warfare: Iranian and Russian Versions of “Little Green Men” and Contemporary Conflict. NATO Defense College, Rome.

دشمن همواره درصدد بوده یا از آسیبهای داخلی بهره برداری کند و یا با طراحی توطئه‌های گوناگون، در نظام اسلامی ایجاد ناآرامی نماید، بنابراین تلاش همیشگی دشمن، معطوف به تولید ناآرامیهاای متنوع است که بخش عمده جنگ ترکیبی سال ۱۴۰۱ را به خود اختصاص داد(عسگری،۱۳۹۹: ۳۱۳).

در مورد ناآرامی‌های اجتماعی ایران تحلیل‌های متعددی وجود دارد که عمدتاً پیرامون نحوه امنیتی شدن کنش‌های اجتماعی، مطالبات و دلایل داخلی ارائه شده اند. به عبارت دیگر عمده این تحقیقات با تکیه بر نظریات گوناگون بر ساحت داخلی تمرکز تحلیلی دارند. اما اگر بخواهیم ابعاد مختصات جنگ ترکیبی ۱۴۰۱ را مورد مداقه قرار دهیم، بایستی این ناآرامی‌ها را در بستر شیوه‌ها و ابزار جنگ ترکیبی بررسی کنیم. از طرفی وقتی کنشگری دولتمردان آمریکایی و اروپایی در مورد ایران را بررسی می کنیم، این گزاره را ترسیم می کند که به دنبال بی ثبات کردن جمعیت‌های هدف(کشور) بودند، یعنی بی ثباتی با برهم زدن سازماندهی و وحدت سیستم‌های یک جمعیت و مردم که منجر به کاهش شدید بهره‌وری و از دست دادن همکاری در آن جمعیت می‌شود که غرق در مسائل داخلی است. بدین گونه که با تقسیم بندی در گروه‌های جمعیت یا ارائه ایده‌های جدید طراحی شده برای ایجاد اختلاف گروه‌ها علیه یکدیگر و افزایش قطبی شدن، عاملان سازماندهی و وحدت جمعیت تضعیف شوند. نکته دیگر اینکه پویایی اجتماعی و موقعیتهای سیاستگذاری در مقیاس وسیع باعث شیوع ناآرامیهای مدنی میشود. به این معنی که ناآرامیهای اجتماعی به عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محیطی مربوط میشود. تنشهای نژادی و قومی(عسگری به نقل از مک آدام،۱۳۹۸: ۲۸۶). کمبود مواد غذایی و افزایش قیمت مواد غذایی(عسگری به نقل از نت، روتینگر،۱۳۹۸: ۲۸۶)، تغییرات قیمت‌های بین المللی کالاها(عسگری بقل از آرزکی، بروکنر،۱۳۹۸: ۲۸۶)، شوک‌های اقتصادی(عسگری بنقل از برگر و اسپورر،۱۳۹۸: ۲۸۶)، تغییرات آب و هوایی و حتی شوک‌های ناشی از کاهش بارندگی(عسگری بنقل ار بروکنر و دیگران،۱۳۹۸: ۲۸۶) و تغییرات جمعیتی از جمله این موارد به شمار می آیند(عسگری بنقل از گلدستون: ۱۳۹۸).

۹-۵-۲. روند ناآرامی‌های اجتماعی در ج.ا.ا

بررسی تحولات امنیتی چهار دهه اخیر، مؤید این واقعیت است که روند تعداد ناآرامی‌ها در کشور رو به افزایش بوده است که در نمودار زیر قابل مشاهده است(عسگری،۱۴۰۱: ۱۰۲) .



این نکته را باید مد نظر داشته باشیم که امنیتی شدن ناآرامی‌های اجتماعی در جوامع گوناگون آسان نبوده و تحت تأثیر متغیرهای کلان چون نظام سیاسی حاکم، فرهنگ امنیت و آستانه تحمل دولت‌ها بوده و در اساس عمل پیچیده و تا حد زیادی زمینه محور و حاصل نظام ادراک نخبگان سیاسی و امنیتی کشور است(علی اصغری،۱۴۰۰: ۱۰۹). برخی از این ناآرامی‌ها به اعتراض، انقلاب، جنبش و ... نام می برند و برخی با نگاه مصطلح جامعه شناختی آن را یک پدیده اجتماعی قلمداد می نمایند و برخی نیز آن را پدیده ای سیاسی قلمداد می نمایند که همگی با نگاه درون سیستمی تحلیل می شوند. با همین نگاه برخی استدلال می کنند که ما اکنون نه در دوران پایان، بلکه در دوران نهفتگی یک جنبش بسر می بریم و مهمترین ویژگی آن، گذار از جنبش خطی به جنبش سیال است. از طرفی ویژگی پایداری ناشی از هویت جمعی و سازمان یافتگی از ویژگی‌های متمایز کننده جنبش اجتماعی با اشکال موقتی تر مانند شورش، آشوب و مانند آن است و جنبش اجتماعی در طول زمان انسجام و تداوم دارند. بر همین اساس برخی بر این دیدگاهند که کنش‌های زودگذر مانند ناآرامی‌های ۱۴۰۱نمی توانند ماهیتی مردمی، خودجوش، فراگیر و اصیل داشته باشد و جنبش نامیدن آنها درست نیست(قلی پور،۱۴۰۲: ۶۱). اما فارغ از اینکه پدیده ۱۴۰۱ را جنبش بنامیم یا آن را کنشگری آشوب و شورش تلقی کنیم، این پدیده هرچند بر پایه کنشگری‌های مرسوم اجتماعی بنا نهاده شد که با

برخی نظریات می توان آن را مورد بررسی قرار داد، اما در بیان رهبر معظم انقلاب دو واژه "اغتشاش"و "جنگ ترکیبی " استفاده شده است. برخی نیز ویژگی‌های دوران «نهفتگی» و «سیال بودن» جنبش را معرفی می کنند که قابل تأمل است(قلی پور، ۱۴۰۲: ۶۲ تا ۶۵). چرا که بررسی وضعیت‌های اجتماعی و اشراف بر روندها و تتغییرات این عرصه، تأثیر زیادی بر محتوای تصمیم ساز گزارشات، هشدارها و برآوردهای اطلاعاتی خواهد داشت. اما از طرفی این پدیده یک بحران با مختصات کامل بود که اهداف بالاتری را دنبال می کرد و برای اینکه این پدیده را بحران بنامیم ویژگی‌های یک بحران را دارا بود(علی اصغری، ۱۴۰۰: ۱۲۰).

۹-۵-۳.روند ناآرامی‌های ۱۴۰۱

زمینه‌های نارضایتی در ایران به تنهایی نمی تواند بحرانی در سطح بحران ۱۴۰۱ را رقم بزند. از طرفی بررسی این ناآرامی‌ها در بستر نظریات امنیتی حوزه اجتماعی نمی تواند تبیین کننده کامل آن باشد. چرا که این مهم بخش عمده ای از جنگ ترکیبی محسوب شده و در ترکیب ابزارها و تاکتیک‌های دیگر قابل شناسایی می باشد. در سال ۱۴۰۱ یک واقعه شگفتی ساز فضای شناختی را تبدیل به فضای رفتاری ناامن ساز کرد و فوت مهسا امینی در ۲۲ شهریور ۱۴۰۲ بعنوان یک پیشران[1]عمل کرد. نحوه دستگیری، ارشاد ، آزادسازی، فوت و نهایتاً اطلاع رسانی پلیس تهران هرچند روندی کاملاً منطقی داشت، اما به هیچ عنوان فرآیند تحلیل حادثه، تصمیم گیری و اطلاع رسانی، از «توان اقناع کنندگی» افکار عمومی برخوردار نبود. از طرفی گروه‌های مرجع مانند چهره‌های سیاسی، هنری، ورزشی و به اصطلاح سلبریتی‌ها انگاره سازی «کشتن» بجای «فوت» را در افکار عمومی صورت‌بندی کردند و همزمان رسانه‌های پرمخاطب این انگاره‌های محرک را تبدیل به «گفتمان غالب»

---

۱ . پیشران مفهومی است که بیشتر در طراحی سناریوها مورد استفاده قرار میگیرد و منظور از آن، نیروهایی است که بر پیامد رویدادها اثر دارند؛ بعبارتی پیشرانها عناصری هستند که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریوها شده و سرانجام داستانها را مشخص می کنند. بدیهی است که پیشرانها بصورت غیرمستقیم بر حوزه‌های مختلف تأثیرگذارند؛ بعبارت دیگر، پیشرانها، مؤلفه‌ها یا عواملی اصلی متشکل از چند روند هستند که باعث ایجاد تغییر در یک حوزه مورد مطالعه می باشند(عسگری بنقل از شوراتز،۱۴۰۱: ۱۰۶)

کردند و شبکه‌های نیرویی پیرامون این گفتمان سازماندهی و وارد فضای کنشگری شدند. از ۲۸ شهریور تا ۳۰ شهریور اوج گیری تجمعات با رفتارهای خشونت بار با بافت جمعیتی عموماً با هویت ضعیف جامعه(لمپن‌ها) بود و اغتشاشات خشونت بار طی فراز و فرودهایی تا حدود اواخر آذرماه بصورت سینوسی ادامه یافت. اظهارات دولتمردان آمریکایی و اروپایی و عملکرد آنها در کنار رفتارهای ضد امنیتی اپوزیسیون خارجی در خارج از کشور و همچنین اقدامات ناامن ساز در قالب اقدامات ایذایی در داخل کشور، این نکته را محرز می سازد که این پدیده نمیتواند صرفاً یک کنشگری اجتماعی مطالبه محور باشد، بلکه شواهد و قرائن بیانگر آنست که فعال سازی همه گسل‌ها با بکارگیری ویژگی‌های جنگ ترکیبی در جریان بود. به‌طور مثال «عناصر پیشتاز» در بستر فضای مجازی علاوه بر تولید محتوا و انتشار گسترده، تولید و توسعه خشونت و التهابات روانی را در کنار سازماندهی نیرویی بصورت گسترده انجام دادند که ظرفیت پذیرش انگاره‌های محرک را افزایش داد. در کنار این وضعیت، دستگاه اطلاع رسانی و رسانه‌های رسمی کشور هر چند به آگاه سازی و روشنگری در مورد این پدیده می پرداختند، اما به دلایل مختلف «اعتبار اطلاع رسانی»، «مرجعیت خبری» و «غلبه گفتمانی» خود را از دست دادند و قدرت اقتناع کندگی آنها رنگ باخت.

۹-۶. تروریسم و نیروهای نامنظم

اشمید اقدامات سیاسی را به دو دسته متعارف و نامتعارف تقسیم میکند. در اقدامات سیاسی غیرمتعارف یک دسته بندی دو طبقه ای یعنی؛ «اقدامات سیاسی نامتعارف غیر خشونت آمیز» و «اقدامات سیاسی نامتعارف خشونت آمیز» را معرفی میکند. در حوزه اقدامات سیاسی نامتعارف خشونت آمیز در طرف دولتی آن تروریسم دولتی، ترور، جنگ داخلی، قتل عام، نسل کشی، سرکوب خشونت آمیز و در طرف غیردولتی آن تخریب فیزیکی، ترور، تروریسم، جنگ چریکی، قتل عام، شورش و انقلاب‌های خشونت بار جاری می گیرد(راجی و افتخاری بنقل از عبدا... خانی،۱۳۹۸: ۸۹). تروریسم در دو ساحت بعنوان ابزار جبهه غرب علیه ایران مورد بهره برداری قرار می گیرد. نخست متهم سازی ایران به رفتار تروریستی و حمایت از تروریست‌ها در راستای اجماع سازی جهانی علیه ایران و در ساحت دیگر ایجاد و حمایت از گروه‌های تروریستی به سرکردگی منافقین برای

ایجاد ناامنی که در قالب ترور دانشمندان و شخصیت‌ها، خرابکاری و اقدامات ایذایی کانون‌های شورشی قابل شناسایی می باشد(راجی و افتخاری،۱۳۹۸: ۸۹). بر این اساس و با توجه به وقایع خشونت باری که در ۱۴۰۱ در سطح کشور بوقوع پیوست، از جمله تخریب فیزیکی، ترور و کشته سازی، شورش‌های خشونت بار و اقدامات ایذایی، مولفه‌های اقدامات سیاسی خشونت آمیز غیردولتی قابل احصاء می باشد.

۹-۷. جنگ تبلیغاتی و رسانه و نیروهای ویژه

در جنگ تبلیغاتی و رسانه ای شناخت و احساسات جوامع هدف تحت تهاجم قرار می‌گیرد که با تاکتیک‌هایی همچون بزرگ نمایی، بمباران اطلاعاتی و تحریف اخبار پیگیری میشود(راجی و افتخاری،۱۳۹۸: ۹۴) که توسط صدها سایت، شبکه اجتماعی، شبکه‌های تلیزیونی به زبان‌های مختلف قابل بررسی هستند(راجی و افتخاری،۱۳۹۸: ۱۰۲).

۹-۸. فعالیت نظامی متعارف و غیرمتعارف

فعالیت‌های نظامی در دو گروه متعارف مانند حق دفاع در برابر مهاجمین و نامتعارف مانند استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی دسته بندی می شوند.(راجی و افتخاری بنقل از gardner 2015،۱۳۹۸: ۸۸) برای توصیف ابعاد جنگ ترکیبی، کشور آغاز کننده این جنگ سعی دارد با انجام حملاتی به نیروهای کشور هدف در مناطقی که قابلیت انکار دارند، سبب ایجاد مه جنگ و افزایش پیچیدگی محیط امنیتیی دشمن شود. برای یافتن این بُعد از اقدام آمریکا علیه ج.ا.ا، باید حملات رژیم صمیونیستی(به نیابت از آمریکا) به نیروهای ایرانی در سوریه و عراق را مورد توجه قرار داد که ابتدا از پذیرش مسئولیت این حملات خودداری میکردند، اما در ژانویه ،۲۰۱۹ رئیس ستاد ارتش رژیم صمیونیستی، گادی آزنکات، در مصاحبه ای ضمن پذیرش نقش این رژیم، مدعی تداوم این حملات شد(Stephens, ۲۰۱۹). بر این اساس، اگرچه مقامات رژیم صهیونیستی هدف از انجام این حملات را جلوگیری از انتقال تسلیحات ایران به سوریه و حزب ا... لبنان اعلام کردند، اما آنچه بیش از همه اهمیت دارد این است که این حملات در موازات سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران انجام شد؛(Board Editorial۲۰۱۹), تا از این طریق با ایجاد مه جنگ، سبب پیچیدگی بیشتر فرایند تصمیمگیری در سیاست خارجی و انجام واکنش مناسب به تهدیدات از سوی ایران شود(کرمی و دیگران،۱۳۹۸: ۱۲۷و۱۲۸). از طرفی طی

سال‌های گذشته تهدید به کاربست گزینهٔ نظامی علیه ج.ا.ا بعنوان یکی از وجوه جنگ ترکیبی مورد تأکید روسای جمهور آمریکا بوده است که نیازمند طرح تهدید نظامی معتبر، علیه ایران بوده است. بعنوان مثال دولت ترامپ سعی بر آن داشت تا با ارسال تجهیزات و نیروهای نظامی به منطقه و ترکیب آن با گفتار تماجمی، عزم خود برای کاربست گزینهٔ نظامی علیه ایران را در منصهٔ ظهور برساند.(Clemenceau, ۲۰۱۹) که در ۵ می ۲۰۱۹ ، ناوگروه آبراهام لینکلن را به منطقه اعزام کرد و هدف آن مقابله با تهدیدات ج.ا.ا و آمادگی آمریکا برای «پاسخی جدی و قاطع» به این تهدیدات اعلام شد (Wong, ۲۰۱۹). افزون بر این، وزارت دفاع آمریکا نیز از ورود دو هواپیمای بمب افکن بی۵۲- به پایگاه العدید قطر خبر داد. کاخ سفید نیز با صدرور بیانیه ای مدعی شد، علت گسیل تجهیزات جدید به منطقه، دریافت اخباری از تحرکات نظامی ایران در منطقه بوده است.(Morgan, ۲۰۱۹) پس از سرنگون شدن پمپاد آمریکایی توسط ج.ا.ا در ۲۳ژوئن ۲۰۱۹ نیز تداوم حضور نیروها و تجهیزات آمریکایی بخشی از راهبرد دولت ترامپ برای ناگزیر کردن ایران از پذیرش میز مذاکره بوده است است.(کرمی و دیگران،۱۳۹۸: ۱۲۴و۱۲۵) که عمدتاً برای تغییر محاسبات ذهنی صورت پذیرفت و منطبق بر اصول جنگ ترکیبی قابل تبیین است.

۱۰.جنگ شناختی ؛ جنگ ترکیبی شناخت مبنا

ناتو طی سال ۲۰۲۰ پنج حوزه جنگی را برای اعضای این ائتلاف نظامی تعیین کرد که به ترتیب عبارت بودند از زمین، هوا، دریا، فضا و حوزه سایبری، اخیراً حوزه جدیدی نیز به این حوزه‌ها اضافه شده که «جنگ شناختی» نام دارد. از نظر استراتژیست‌های ناتو، ذهن انسان اصلی‌ترین میدان نبرد است. آن‌ها می‌گویند؛ باید روی بار معنایی هر کلمه که با اعصاب و روان و مغز حریف سروکار دارد کار کرد. لذا آنچه در اتاق جنگ آن‌ها، مطرح است، «طراحی پیام» و اثرگذاری آن در حوزه سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی است که حرف اول را می‌زند. در این حوزه با به‌کارگیری فضای مجازی هدف این است که «ذوق»، «سلیقه» ، «فکر» و «مزاج» انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و مدیریت کند(انبارلویی،۱۴۰۱). جیمز بک ول در مقاله «قلمرو شناختی جنگ» به اهمیت جنگ شناختی پرداخته و اشاره کرده است که آمریکا در دوران جمگ سرد از چنگ شناختی بهره بردای کرده است. وی

معتقد است امروز نیز باید از این تجربیات در ابعاد گسترده تر علیه چند کشور از جمله ایران پیاده کرد(خوزین،۱۴۰۰: ۷۲).

۱۱. حکمرانی امنیتی متناسب با جنگ ترکیبی

«حکمرانی امنیتی» بمعنی شیوه‌های جدید مواجهه با تهدیدهای امنیتی است. (عسگری به نقل از بویر،۱۴۰۱: ۱۰۶) و تغییرات در سازوکارها و روشهای تأمین امنیت را روشن می سازد. بنابراین حکمرانی امنیتی بیش از هر چیز، بر فرآیند تأکید دارد.(عسگری به نقل از پوتوکک،۱۴۰۱: ۱۰۶) و شیوه تنظیم گری و انتظام بخشی به امور امنیتی را ارائه می کند و شامل چگونگی سیاستگذاری، تصمیمگیری، اجرا و نحوه مدیریت مسائل امنیتی، توسط دولت در تعامل و مشارکت گسترده و معنادار مردم و بازیگران غیردولتی در راستای نیل به اهدافی همچون ثبات سیاسی، تأمین امنیت ذهنی مردم و حفظ و ارتقای امنیت است.(عسگری،۱۴۰۱: ۱۰۶) در فضای حکمرانی امنیتی، مسائل مربوط به برنامه ریزی و استفاده از قوانین و روال رسمی، استراتژی‌های به کار گرفته شده برای هماهنگ کردن اقدامات (برنامه‌ریزی اضطراری، مداخلات در مراحل مختلف، اتحاد، ائتلاف و غیره)، مشارکت مسئولین محلی، ملی و رفتار مدنی مطرح می شوند، اما ترکیب اثربخشی بین آنها وجود ندارد(CAROLE LALONDE, 2007). علاوه بر برخی چالش‌های حکمرانی امنیتی در کشور، این نکته حائز اهمیت است که در حکمرانی مورد نظر، بکارگیری کارویژه‌های اطلاعاتی با بهره برداری از شیوه‌های کم هزینه و پنهان در عرصه سیاستگذاری و اجرایی کشور هرچند نسبت به گذشته رشد مناسبی داشته است، اما با توجه به غفلت‌های اطلاعاتی حادث شده و بروز هزینه‌های هنگفت برای کشور، هنوز در حد مطلوب در حوزه گفتمان، ساختار، تقنین و عملکرد دستگاه‌های اجرایی مورد شناسایی و بکارگیری موثر واقع نشده است که این وضعیت، حکمرانی امنیتی کشور را با چالش‌هایی روبرو ساخته است و این ضعف در جنگ ترکیبی ۱۴۰۱ قابل بازشناسی می باشد. لذا در مدیریت بحران در مقام عمل، مطابق دستورالعمل‌ها اقدام نمی شود و حتی در صورت عملکرد مناسب، ضرورت دارد متناسب با جنگ ترکیبی طراحی و اجرا شود(عسگری و حسینی، ۱۴۰۰: ۲۲۷). ضعف و کمبود دستورالعمل‌ها و قوانین نیز مزید بر علت شده چنانچه کاستی‌های قانون تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور بعنوان متولی

امنیت کشور، ترکیب اعضا و نوع نقش آفرینی آنها در شورا، تقلیل مفهوم امنیت داخلی به امنیت نظامی و انتظامی و همپوشانی شرح وظایف با دیگر نهادها مانع از نقش آفرینی این شورا در ساختار حکمرانی کشور شناسایی شده است(عسگری و حسینی بنقل از صدرانیا، ۱۴۰۰: ۲۳۹). لذا در این فضا حکمرانی امنیتی در مقابله با جنگ ترکیبی با چالشهای جدی روبروست و بازبینی و بروزرسانی در آن امری ضروری بنظر می رسد.

۱۲. کارکردها/کارویژه‌های اطلاعاتی؛ متناسب سازی با جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی در بستر مسائل چند وجهی، مبهم و متکثر و در فضای عدم قطعیت‌ها طراحی و به منصه ظهور می رسد، لذا برای جلوگیری از غافلگیری استراتژیک، کارکردهای اطلاعاتی باید معطوف به ردیابی تهدیدات، نیروها و حوادث(میرمحمدی بنقل از مارک لوونتال ،۱۹۸:۱۳۹۰) ناشی از جنگ ترکیبی باشدکه این مهم به کارویژه «شناختی» باز می گردد. این کارویژه در نظریه «وابستگی اطلاعات به سیاست»، بازشناسی می شود و محصولات شناختی[1] به معنای واقعی «ابزار راهنمایی و هدایت سیاست‌گذاری»(وبستر، ۱۳۹۰: ۴۹۵) برای کنترل جنگ ترکیبی ایفای نقش می کند، اما هنوز جایگاه مناسب خود را بدست نیاورده است. (اسکات و جکسون، ۱۳۸۸: ۲) یعنی اطلاعات بخشی از فرآیند بزرگتر تصمیم گیری بشمار می رود.(میرمحمدی ج بنقل از والتر لاکوئر،۱۹۸:۱۳۹۰) لذا کیفیت نقش آفرینی اطلاعات در سیاست امنیتی، داخلی و خارجی و تأمین نیازمندی‌های شناختی تصمیم‌گیران، هشدار دادن در خصوص ابعاد جنگ ترکیبی و شکل دادن به برداشت سیاستگذاران در این حوزه تعیین کننده است و در حالت آرمانی اطلاعات باید سیاستگذاری ترکیبی را بسازد.(میرمحمدی ج بنقل از پرادوس[2]،۱۳۹۰: ۲۱۸) چنانچه اشاره

۱.بعنوان مثال برای رسیدن به توان پیش بینی ناآرامیهای اجتماعی، پروژه جی.دی.ای.ال.تای یک دیاگرام شبکه زمان واقعی و پایگاه داده ای از جامعه انسانی جهانی برای تحقیقات باز است که بر رسانه‌ها، انتشارات و اخبار شبکه‌ها در هر گوشه ای از هر کشور به بیش از ۱۰۰ زبان نظارت میکند. این.(عسگری بنقل از بهرامی و دیگران،۱۳۹۹: ۲۸۶) تحقیقات اخیر نشان داده است حدود ۷۵ درصد از تظاهرات قانونی، پیش از وقوع برنامه ریزی شده اند و در بسیاری از آنها، شبکه‌های اجتماعی بویژه توییتر، ابزار برنامه ریزی و سازماندهی معترضین بوده است، بنابراین برخی برای پیش بینی ناآرامیها، تحلیل این شبکه‌های اجتماعی را در دستور کار قرار داده اند.(عسگری بنقل از ساسیکالا و پرمالاتا،۱۳۹۹: ۲۸۷).

۲. prados

شد تهدیدات در عرصه‌های سیاستگذاری و اجرایی بروز و ظهور می یابد که بافتار جدید این تهدیدات را می توان در قالب جنگ ترکیبی بازشناسی نمود. از طرفی «عنصر نظارت» بویژه نظارت‌های راهبردی و کارکردی بر عرصه‌های سیاستگذاری و اجرایی عنصر مغفول در ج.ا.ا است. بر این اساس بهترین نهاد ناظر راهبردی بر فرایند سیاست‌گذاری و حسن اجرای امور کارگزاران سیاست‌گذاری و بررسی بازخوردهای سیاستها با هدف ایجاد شناخت و پیشگیری، اطلاعات است.(میرمحمدی و سالارکیا،۱۳۹۱: ۱۲۵و۱۲۶) که می تواند رویه‌های مذکور را متناسب با جنگ ترکیبی تبیین و ارائه نماید. نکته بعدی اینکه، اطلاعات «ابزاری برای اجرای سیاست»(امنیتی، داخلی و خارجی) یا همان اقدام پنهان[۱] بازشناسی شده(میرمحمدی ج،۱۳۹۰: ۲۱۷) و این نقش، طیف وسیعی از اقدامات اقدامات سخت و نرم را شامل می‌شود و «اقدام پیشدستانه برای مقابله و دفع تهدیدات در نقطه تولید و طراحی از سوی عاملین» را پیگیری می کند که بایستی این گارویژه نیز متناسب با جنگ ترکیبی طراحی و پیگیری شود(سالارکیا،۱۳۹۱: ۹۲).

بطور کلی بررسی کارویژه‌های اطلاعات نشانگر آنست که ابزاری شناختی، اجرایی و نظارتی برای سیاستگذاران محسوب می‌شود و دلیل آن جهانشمول بودن فرهنگ فعالیت اطلاعاتی به عنوان حرفه، هنجارها، ارزش‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های آن که تا حد زیادی فارغ از زمینه‌های مکانی و زمانی هستند.(میرمحمدی ج،۱۳۹۰: ۱۲۵و۱۲۶) که در تهدیدات نوین جنگ ترکیبی بایستی هر سه کارویژه خود را متناسب و منطبق با این جنگ ارائه دهد و ضروریست معماری خود را متناسب با جنگ ترکیبی بازسازی نماید.

۱۳. مدیریت بحران؛ متناسب سازی با جنگ ترکیبی

در مورد مقوله ناآرامی‌های اجتماعی مقام معظم رهبری بیشترین تأکید را بر «مدیریت ناآرامی»، «اهداف موجدان ناآرامی» و ابزارهای تولید ناآرامی داشته اند(عسگری،۱۳۹۹: ۳۱۳). بر این اساس بایستی مدیریت ناآرامی‌های اجتماعی در بستر جنگ ترکیبی متناسب با گزاره‌های جنگ ترکیبی باشد و عمدتاً در بستر روش‌های مدیریت اطلاعاتی تنظیم شود. البته این نکته حائز اهمیت است که تصریح قوانین در این حوزه کافی نبوده و اختیار ویژه

---

۱ . Covert Action

حکومت، محدودیتها، ممنوعیت‌ها و تکالیف بصورت شفاف تعیین نشده است(عسگری بنقل از جربانی، شکری پور، حسنوند، مقیمی،۱۳۹۹: ۲۸۲).

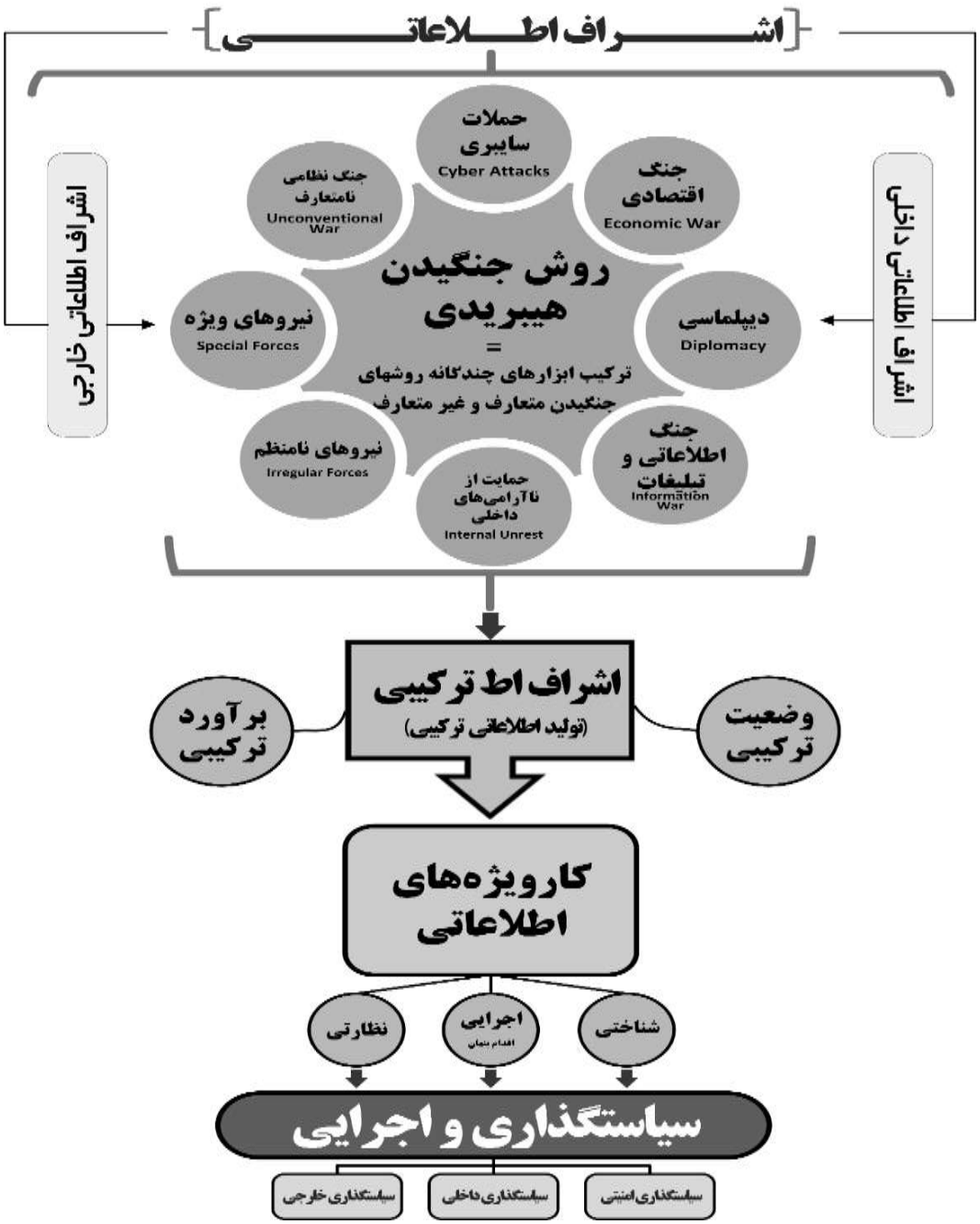
۱۴.نتیجه گیری

جنگ ترکیبی در فضای عدم قطعیت (شامل بازدارندگی، تعاملات بین المللی و تهدیدات) در هشت حوزه تهاجم نظامی، نیابتی دولت محور و غیردولتی، براندازی نرم، تحریم همه جانبه، بی ثبات سازی داخلی، تنش مقطعی و نافرمانی، نفوذ و استحاله، برشماری می‌شود و ابزار تهدیدات را از نوع هوشمند(ترکیبی) و عرصه آن متمرکز بر جنگ اطلاعاتی–امنیتی، فرهنگی و قومی مذهبی صورتبندی می شود. این نوع از جنگ، ترکیبی از توانمندی‌های نظامی متداول و متعارف، ظرفیت‌های شورش و آشوب، تروریسم و افراط گرایی، جنگ‌های چریکی و نامتقارن یا محدود، دیپلماسی، جنگ‌های سایبر و فناوری‌های پیشرفته نظامی و جنگ‌های روانی و تبلیغاتی، حملات سایبری، روش جنگیدن اقتصادی، دیپلماسی، روش جنگ اطلاعاتی و تبلیغات، حمایت از ناآرامی‌های محلی، نیروی مخصوص(ویژه)، نیروی نظامی نامنظم، نیروی نظامی منظم است. از جمله کاستی‌های شناسایی شده در این تحقیق عدم تحلیل تعامل جنگ ترکیبی و جنگ شناختی و کاربست آن برای مطالعه الگوی جنگ ترکیبی علیه ج.ا.ا اشاره کرد. مبتنی بر تحلیل مضمون تحقیقات و ادبیات و روش شناسی جنگ ترکیبی می توان گفت ج.ا.ا هدف شبکه هوشمندی از جنگ ترکیبی قرار دارد که تبلور آن در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ قابل رصد می باشد. این جنگ علاوه بر آنکه تک تک مولفه‌های آن بصورت مستقل بخشی از توان کشور و انقلاب را مورد هدف قرار داده، در پی آن بود تا با اشاعه وضعیت فشار هم افزا و آشوب و استفاده روشمند از شبکه‌های اجتماعی بتواند به تأثیرات شناختی منجر شود.

محیط شناسی جنگ ترکیبی نشان می دهد این جنگ در بستر مسائل چند وجهی، مبهم و متکثر و در فضای عدم قطعیت‌ها به منصه ظهور می رسد، لذا برای جلوگیری از غافلگیری استراتژیک، کارکردهای اطلاعاتی باید معطوف به ردیابی تهدیدات، نیروها و حوادث ناشی از جنگ ترکیبی باشدکه این مهم به کارکردهای شناختی، نظارتی و اجرایی(اقدام پنهان) در اطلاعات بر می گردد و بایستی «اقدام پیشدستانه برای مقابله و دفع

تهدیدات در نقطه تولید و طراحی از سوی عاملین» و الگوی تهاجم و تدافع ترکیبی را متناسب با جنگ ترکیبی طراحی و پیگیری نماید. بعبارت دیگر در تهدیدات نوین جنگ ترکیبی، اطلاعات بایستی هر سه کارویژه خود را متناسب و منطبق با این جنگ ارائه دهد و ضروریست معماری خود را متناسب سازی با جنگ ترکیبی نماید.

در این فضا الگویی که بتواند درک نوینی از کارکردهای اطلاعاتی جهت رفع دغدغه‌های مهم ج.ا.ا برای جلوگیری از غافلگیری، رصد، شناسایی، پیش بینی و ارزیابی تهدیدات جنگ ترکیبی ارائه نماید مورد بازشناسی قرار گرفت. بر اساس الگوی بازشناسی شده جنگ ترکیبی، کارکردهای اطلاعاتی بایستی بروزرسانی شود و ظرفیت‌های اطلاعات داخلی و خارجی ضمن هم راستایی، هم افزا و ترکیب شوند تا بتوانند قابلیت‌های پیش بینی و پیشگیری را در یک فرمت جامع الابعاد ارائه نماید. برای تحقق این امر مهم در کارکردهای اطلاعاتی، پرداختن به «حکمرانی امنیتی» به معنی شیوه تنظیم گری و انتظام بخشی به امور امنیتی و تغییرات در فرآیند، سازوکارها و روشهای تأمین امنیت و «انطباق» با شیوه‌های نوین تهدیدات ترکیبی ضروری می نماید. در فضای حکمرانی امنیتی، مسائل مربوط به برنامه ریزی و استفاده از قوانین و روال رسمی، استراتژی‌های به کار گرفته شده برای هماهنگ کردن اقدامات (برنامه ریزی اضطراری، مداخلات در مراحل مختلف، اتحاد، ائتلاف و غیره)، مشارکت مسئولین محلی، ملی و رفتار مدنی مطرح می شوند که عمدتاً مدیریت اطلاعاتی را شامل می شود، اما هیچ ترکیب رضایت‌بخشی بین آنها وجود ندارد. این نکته حائز اهمیت است که بکارگیری کارویژه‌های اطلاعاتی با بهره برداری از شیوه‌های کم هزینه و پنهان در عرصه سیاستگذاری و اجرایی کشور هرچند نسبت به گذشته رشد مناسبی داشته است، اما با توجه به غفلت‌های اطلاعاتی حادث شده و بروز هزینه‌های هنگفت برای کشور، هنوز در حد مطلوب در گفتمان، ساختار، تقنین و عملکرد دستگاه‌های اجرایی مورد شناسایی و بکارگیری موثر واقع نشده است که این وضعیت، حکمرانی امنیتی کشور را با چالش‌هایی روبرو ساخته است و این ضعف در جنگ ترکیبی ۱۴۰۱ قابل بازشناسی است.



در همین راستا بررسی‌ها نشان می دهد دشمنان مبتنی بر «اقلیم راهبردی نامتعادل» و با درک «قوانین قابل تغییر بین المللی» جنگ ترکیبی را بعنوان الگوی نوین جنگی در یک بستر سیال در مواجهه با ج.ا.ا بکار گرفته اند که ترکیبی از نیروهای منظم و نامنظم دولتی و غیردولتی، مشارکت راهبردی، فرماندهی چند وجهی، اقدام همزمان، ابزارهای چند وجهی، تهدیدات سریع و همچنین فقدان دکترین عملیات مشخص است.

ویژگی‌های کارگردی جنگ ترکیبی شامل:

۱.«هم افزایی» به این معنی که هر کدام از مولفه‌های جنگ ترکیبی می تواند مکمل و پیش برنده اهداف مولفه‌های دیگر نیز باشد.

۲.«ابهام و پیچیدگی» بمعنی تولید «حجم انبوهی از مولفه‌های فشار» است تا با هدف قرار دادن نقاط ضعف، باعث«سلب اختیار و ممانعت از درک شرایط ایجاد شده» شود و مخاطب هدف را دچار سردرگمی کند و توانایی تصمیم را از او سلب کند.

۳.«تسری» برای رقم زدن یک تهاجم متراکم و گیج کننده تا بازیگر هدف را دچار «بحران شناختی» کند. جنگ ترکیبی به دنبال تولید «فشار متراکم و طولانی» است تا با ایجاد ابهام در مرز بین جنگ و صلح، «اهداف شناختی» و تغییر ساختارهای تحلیلی و ذهنی بازیگر هدف را پیگیری نماید تا ج.ا.ا در شبکه ای از ابهام قرار بگیرد و توان درک شرایط را از دست بدهد و اختیار تصمیم از او سلب گردد و در یک پروسه فرسایشی به از هم پاشیدگی سیاسی- اقتصادی دچار و در نهایت تغییر نظام سیاسی محقق شود.

لذا در مدیریت بحران در مقام عمل، مطابق دستورالعمل‌ها اقدام نمی شود و حتی در صورت عملکرد مناسب، ضرورت دارد متناسب با جنگ ترکیبی طراحی و اجرا شود. ضعف و کمبود دستورالعمل‌ها و قوانین نیز مزید بر علت شده چنانچه کاستی‌های قانون تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور بعنوان متولی امنیت کشور، ترکیب اعضا و نوع نقش آفرینی آنها در شورا، تقلیل مفهوم امنیت داخلی به امنیت نظامی و انتظامی و همپوشانی شرح وظایف با دیگر نهادها مانع از نقش آفرینی این شورا در ساختار حکمرانی کشور شناسایی شده است که حکمرانی امنیتی در جنگ ترکیبی را با چالش روبرو ساخته و نیازمند بازبینی می باشد. بر این اساس، حکمرانی امنیتی و مدیریت بحران بایستی در بُعد نظری و کارکردی متناسب و منطبق با گزاره‌های جنگ ترکیبی تنظیم شود و حتی تصریح قوانین و اختیار ویژه حکومت، محدودیتها، ممنوعیت‌ها و تکالیف مورد بازبینی قرار گیرد.

منابع

کتاب‌ها

۱. بشیریه، حسین، از بحران تا فروپاشی؛ کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب پذیری نظام‌های سیاسی، انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۹۴.

۲. میرمحمدی ، مهدی ج ، سازمان‌های اطلاعاتی و سیاست خارجی، مطالعه موردی نقش سازمان‌ها در سیاست خارجی آمریکا،، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۰.

۳. دیکچ، مصطفی، خشم شهری: شورش طرد شدگان، ترجمه محمد ابراهیم پور و بنفشه خسروی و نیما شکرایی، .۱۴۰۱

۴. مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم.

۵. تیموتی مک کالو- ریچارد جانسون ،جنگ ترکیبی، ترجمه احمد الهیاری- انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، ۱۳۹۵.

۶. رابینز، استفان (۱۳۷۸) «تئوری سازمان (ساختار، طراحی و کاربردها)»، ترجمه: سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فر، تهران: انتشارات صفا.

۷. بوزان، باری (۱۳۹۰) «مردم، دولت‌ها و هراس»، چاپ سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۸. محمدحسینی، مسعود (۱۴۰۲) «پیش‌بینی و پیش‌گیری در مدیریت بحران‌های اجتماعی ـ ارائه الگو» تهران: انتشارات دافوس.

مقالات

۹. علی اصغری، محمداقبال، بررسی علل وابعاد امنیتی شدن ناآرامیهای اجتماعی، فصلنامه مدیریت بحران و وضعیتهای اضطراری سال سیزدهم، دوره جدید، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰.

۱۰.خلیلی، رضا، مسائل و چالشهای حکمرانی محلی در استان تهران ، فصلنامه مطالعات راهبردی سال بیست وپنجم شماره سوم، تابستان ۱۴۰۱.

۱۱.قاسمی، فرهاد و فرزین، اسماعیلی فرزین، جنگ هیبریدی در سیستم بین المللی پیچیده-آشوبی، فصلنامه مدیریت نظامی، سال هفدهم، شماره۲ تابستان ۱۳۹۶.

۱۲.عسگری، محمود و حسینی، حسین، واکاوی حکمرانی امنیتی برای مقابله با ناآرامی‌ها در جمهوری اسلامی ایران، نشریه علمی آفاق امنیت، سال چهاردهم، شماره ۵۳، زمستان ۱۴۰۰.

۱۳.اسکات ، ال وی و جکسون ،پیتر ، درک اطلاعات در قرن ۲۱ ، ترجمه فرزین هدایت ، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی ارتش جمهوری اسلامی ایران ، تهران ، ۱۳۸۸ .

۱۴.میرمحمدی ، مهدی و سالارکیا ، غلامرضا ، سازمان‌های اطلاعاتی و توسعه اقتصادی ، فصلنامه مطالعات راهبردی ، سال پانزدهم ، شماره سوم ، پاییز ۱۳۹۲.

۱۵.عسگری، محمود، رویکردی به ناآرامیهای اجتماعی در جمهوری اسالمی ایران از منظر مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، سال دهم، شماره ۴۰ ،پاییز ۱۳۹۹.

۱۶.راجی، محمدهادی، افتخاری، اصغر، جنگ ترکیبی در برابر ج.ا.ا(تحلیل ابعاد و روش‌ها)، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و سوم، زمستان ۱۳۹۸.

۱۷.وبستر ، فرانک ، نظریه‌های جامعه اطلاعات(۱۹۹۳) ، فرانک وبستر ، ترجمه اسماعیل قدیمی ، موسسه انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۹۰.

۱۸.امیرسعید کرمی، مجید محمدشریفی و ابراهیم یزدانی در مقاله «نظرگاه جنگ ترکیبی، بنیانی برای درک راهبرد دولت ترامپ در مواجهه با ج.ا.ا»، فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸.

۱۹.عسگری، محمود، سناریوهای حکمرانی امنیتی در ج.ا.ایران در افق ۴۱۴۱ ، فصلنامه انقلاب اسلامی سال دوازدهم: شماره ،۴۲، بهار ۱۴۰۱.

۲۰.نادی، حمیدرضا و خلیلی، ابراهیم (۱۳۹۳) «مدیریت سازمان‌های امنیتی»، تهران: انتشارات دانشکده فارابی.

۲۱.محمودی، سیدمحمد (۱۳۸۲) «نقش سیستم‌های اطلاعاتی در مدیریت بحران»، فرهنگ مدیریت، سال ول، شماره چهارم، پاییز و زمستان.

۲۲.ستاریخواه، علی، خادم دقیق، امیرهوشنگ، نصیرزاده، عزیز، میرسمیعی، سیدمحمد، ماهیت جنگ ترکیبیآینده احتمالی علیه ج.ا.ا در افق ۱۴۰۴، فصلنامه آینده پژوهی دفاعی، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۵.

۲۳.مبینی دهکردی، علی، منشادی، محمدعلی، ولوی، محمدرضا، زواره، سیدمسعود، الگوی راهبردی نظام نوآوری فناورانه دفاعی در جنگ ترکیبی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هجدهم، شماره ۸۰تابستان ۹۹.

۲۴.حسینی زاده آرانی، سید سعید، مرادی، عبدا... ، وثوقی اصل، اصغر، مهتری آرانی، محمد، تحلیلی بر ریشه‌های اجتماعی شکلگیری و بروز نارضایتیهای اجتماعی در ایران (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی)فصلنامه علمی امنیت ملی سال دوازدهم، شماره چهل وسوم، بهار ۱۴۰۱.

۲۵.قلی پور، مجتبی، گذار از جنبش خطی به جنبش سیال، تأملی بر دوران نهفتگی اعتراضات ۱۴۰۱، فصلنامه دیده بان امنیت ملی، شماره ۱۳۲ و ۱۳۳، فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۲.

۲۶.محمدحسینی، مسعود حسینی و حسینی، حسین (۱۴۰۲) «جایگاه پیش‌بینی در مدیریت اعتراضات اجتماعی؛ ارائه مدل مفهومیِ عملیاتی» فصلنامه علمی ـ پژوهشی آفاق امنیت. دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم (ص).

۲۷.https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D8%

28.Statement of Dr. Bruce Hoffman, testimony presnted to the HASC Subcommitte on Terrorism, Unconventional Threats and Capabilities on February 16, 2006. Accessed at www.rand.org/pubs/testimonies/CT255/.

29.Steve Coll, Ghost Wars: The Secret History of the CLA, Afghanistan, and Bin Laden, from the Soviet Invasion to September ۱۰, ۲۰۰۱, New York, NY: Penguin, ۲۰۰٤. On the Chechens see Anatoly S. Kulikov, "The First Battle of Grozny," in Russell Glenn, ed.m Capital Presevation: Preparing for Urban Operations in the Twenty-first Century, Santa Monica, CA: RAND, ۲۰۰۱. For comparative assessment, see Olga Oliker, Russia's Chechen Wars ۱۹۹٤-۲۰۰۰: Lesson from Urban Combat, Santa Monica, CA: RAND, .۱۹۸۸

30.Liang, Qiao and Wang Xiangsui. Unrestricted warfare, Beijing: PLA Literature and Arts Publishing House, .۱۹۹۹

31.Korybko, Andrew (2015), Hybrid Wars: The Indirect Adaptive Approach to Regime Change, Moscow, Peoples' Friendship University of Russia.